

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۴۶ - ۱۲۵

شرم و پیشگیری از جرم از منظر دانش جرم‌شناسی و اخلاق اسلامی

محمدعلی حاجی ده‌آبادی^۱

عبدالوهاب کریمی^۲

چکیده

از جمله مباحث مهم در دو حوزه جرم‌شناسی و اخلاق اسلامی، شرم و حیا است که تأثیرات آن در پیشگیری از رفتارهای ناپه‌نجان و مجرمانه مورد تأکید هر دو حوزه دانشی یادشده است؛ باوجوداین، دقت نظر در مبانی و یافته‌های جرم‌شناسی و آموزه‌های اخلاق اسلامی، می‌تواند تفاوت‌های ظریفی را که این دو با یکدیگر در این محور، یعنی تأثیر شرم بر پیشگیری از جرم دارند آشکار سازد. پژوهش حاضر می‌کوشد تا با روش توصیفی - تحلیلی این موضوع را مورد واکاوی قرار دهد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که باوجود اشتراکات شرم از نظر ماهیت و اصل پیشگیری از جرم، تفاوت‌های معناداری بین این دو حوزه دانشی از جهت قلمرو، دامنه‌بازدارندگی، عوامل و مؤلفه‌ها و هم‌چنین به لحاظ کیفیت و چگونگی تأثیرگذاری، وجود دارد.

واژگان کلیدی

شرم، حیا، بازدارندگی، پیشگیری، کنترل، شرمساری، جرم.

۱. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم.

Email: dr_hajidehabadi@yahoo.com

۲. دانش‌پژوه مقطع دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی جامعه المصطفی‌العالمیه.

Email: karimi.wahab@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۵/۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۷

طرح مسأله

از مهم‌ترین دغدغه‌های دولتمردان و سیاست‌گذاران جنایی، از گذشته تا حال، برنامه‌ریزی و اتخاذ راهکارهای مؤثر در پیشگیری از جرایم است. این مهم، به‌ویژه در دنیای معاصر که نوع تکثرگرایی فرهنگی در جوامع پذیرفته شده و اخلاق سنتی اندک‌اندک جای خود را به اخلاق ماشینی داده است، اهمیت بیشتری دارد؛ با این حال پیشگیری‌های اخلاق‌مدار و فرهنگ‌محور، همچنان در کانون برنامه‌ریزی‌ها قرار دارد؛ در این نوع پیشگیری‌ها، با تمسک به آموزه‌های اخلاقی و فرهنگی موردقبول جامعه، سعی در هنجارمندسازی و مقابله با ناهنجاری‌های رایج در آن جامعه می‌شود.

از جمله آموزه‌هایی که در این راستا موردبحث جرم‌شناسان قرار گرفته است، آموزه «شرم» است، که در معارف اخلاقی اسلام با همین عنوان یا مترادفاتی همچون حیا و آزر، موردبحث قرار گرفته و از جمله پی‌آمدهای آن پیشگیری از ارتکاب رفتارهای قبیح و ناپه‌نجان دانسته شده است. این مقاله می‌کوشد تا مباحث جرم‌شناختی ناظر به شرم را با آنچه در علم اخلاق اسلامی در این راستا وجود دارد با شیوه توصیفی - تحلیلی مورد مقایسه قرار دهد و نقاط افتراق و اشتراک این دو حوزه دانشی را استخراج نماید.

بحث از تأثیرات جرم‌شناختی شرم، پیش از هر چیز منوط به تبیین ماهیت، گونه‌ها و نیز تفاوت‌های شرم در حوزه اخلاق اسلامی و دانش جرم‌شناسی است که در ادامه، هر یک از این موضوعات بررسی می‌شود.

الف) تعریف شرم

شرم در لغت به معنای خجالت، انفعال و آزر آمده است و حالتی است که در انسان از آگاه شدن دیگری بر عیب یا نقص او پدید می‌آید؛ حیا نیز حالتی انفعالی است که در هنگام حرف زدن و یا انجام کار نادرست، برای شخص حاصل می‌شود. (دهخدا، ۱۳۸۵: ۱۷۹۵).

برخی شرم را نوعی خشم بر خویشتن و ملامت خود می‌دانند (غلامی، ۱۳۸۷: ۵۴) که بعد از ارزیابی رفتار خویش بر اساس هنجارهای اخلاقی و مغایرت آن با این ارزش‌ها پدید می‌آید؛ هرکسی بارها در زندگی فردی، خانوادگی، محیط کاری و تحصیلی خود، این حالت را به‌صورت مکرر تجربه کرده است. (سمیعان و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۶). هم‌چنین شرم به احساس غمگینی، خجالت و احساس گناه ناشی از انجام دادن عملی گفته می‌شود که انسان می‌داند، غلط و احمقانه است (Oxford Advanced Learner's Dictionary, 2009: 1395).

شرم کلمه‌ای فارسی است و در منابع اسلامی که عمدتاً به زبان عربی است، به کار نرفته است؛ معادل آن واژه عربی «حیا» استفاده شده است. لغت‌شناسان، شرم و حیا را مترادف هم

دانسته‌اند. در کتاب‌های متعدد لغت، شرم را به معنای حیا (دهخدا، ۱۳۸۵: ۱۷۹۵) و حیا را به معنای شرم و خجالت معرفی کرده‌اند. (دهخدا، ۱۳۸۵: ۱۰۴۹ و ۱۷۹۵، آذرنوش، ۱۳۸۹: ۱۵۱ و معین، ۱۳۷۵، ۱۳۸۰). بعضی از نویسندگان نیز ادعا کرده‌اند که در منابع اسلامی شرم و حیا به یک معناست و در عرف جامعه هم در کنار یکدیگر و مترادف هم به شمار می‌روند (سمیعیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۶). دانشمندان و علمای اخلاق با بیان‌های متفاوتی حیا را تعریف کرده‌اند از جمله: حیا به معنای خودداری انسان از اعمال قبیح و ترک زشتی‌ها به دلیل زشتی خود عمل است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۷۰). حیا به محدودیت و در تنگنا افتادن نفس در ارتکاب محرمات شرعی و عقلی و عرفی از ترس نکوهش و سرزنش گفته می‌شود. (نراقی، ۱۳۷۷: ج ۳ / ۶۱). حیا ملکه نفسانی است که موجب بازداشتن نفس از انجام عمل قبیح و تفر از رفتار خلاف ادب به دلیل ترس از سرزنش، می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۸ / ۳۲۹) بر اساس اطلاق این دو تعریف اخیر، تفاوت نمی‌کند که سرزنش کننده، وجدان شخص، مردم، خداوند متعال، ملائکه یا اولیاءالله باشد. برخی از لغت‌شناسان، حیا را منحصر به مواردی دانسته‌اند که انسان قبل از عمل ناشایست حیا و شرم کند و آن را انجام ندهد. تفاوت حیا و خجالت را در این امر دانسته است که معمولاً شخص خجالت‌زده از عملی که قبلاً انجام داده ناراحت شده و تغییراتی در چهره او پدیدار می‌شود، ولی شخص باحیا به وسیله همین ویژگی از عمل ناشایست خودداری می‌کند و به دلیل توسعه کلام گاهی به جای خجالت، واژه «حیا» به کار برده می‌شود. (العسکری، ۱۴۱۲: ۲۱۳)

به نظر می‌رسد قلمرو معنایی حیا، شامل هر دو نوع حیای پیشینی و حیای پسینی می‌شود و منحصر به حیای قبل انجام دادن عمل ناشایست نیست. هم‌چنانکه نویسنده معجم فروق اللغویه (العسکری) در بیان تفاوت، میان حیا و خجالت، به صراحت می‌گوید که موارد استعمال حیا منحصر به حیای قبل از انجام عمل قبیح نیست، بلکه گاهی حیا به دلیل توسعه کلام به جای خجالت ناشی از انجام دادن عمل شرم‌آور نیز اطلاق می‌شود (العسکری، ۱۴۱۲: ۲۱۳).

هم‌چنین در روایات نیز واژه حیا، در هر دو مورد حیای قبل از انجام عمل قبیح و حیای بعد از انجام دادن عمل ناشایست، استعمال شده است (عباس پسندیده، ۱۳۸۶: ۸۷).

از سوی دیگر از نظر لغت شناسان و علمای اخلاق، ضد حیا و شرم، بی‌شرمی است (احمد بن فارس، ۱۴۰۴: ج ۲ / ۱۲۲ و مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۲ / ۳۳۵ و ۳۳۹ و نراقی، ۱۳۷۷: ج ۳ / ۶۱ و شرباصی، ۱۴۰۷: ج ۱ / ۸۷ و ابن حمید و دیگران، ۱۴۲۶: ج ۵ / ۱۷۹۵). و با توجه به قاعده «تعرف الاشیاء باضدادها»، این نتیجه به دست می‌آید که شرم و حیا مترادف‌اند؛ هم‌چنانکه که گذشت بیشتر لغت‌شناسان نیز شرم و حیا را مترادف هم دانسته‌اند.

شرم با خجالت دو تفاوت دارد؛ نخست این که خجالت تنها، بعد از انجام عمل شرم‌آور رخ می‌دهد ولی شرم ممکن است قبل از عمل شرم‌آور و بعد از آن تحقق یابد. تفاوت دوم در این

است که عامل بروز شرم، می‌تواند بیرونی یا درونی باشد، ولی عامل خجالت تنها، بیرونی و دیگران است (غلامی، ۱۳۸۷: ۶۱).

با توجه به مطالب پیش گفته می‌توان، شرم را به ندامت و خشم بر خویشتن بعد از انجام عمل ناشایست و نیز به خودداری از انجام دادن عمل ناشایست به سبب ترس از سرزنش تعریف کرد؛ البته حصول چنین حالتی برای انسان، وابسته به وجود شرایطی است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. وجود قبح؛ شرم در مواردی تحقق می‌یابد که ناشایستی و قباحتی به حکم عقل، وجدان، شرع یا عرف وجود داشته باشد (نراقی، ۱۳۷۷: ج ۳ / ۶۱) و گرنه شرم قابل تصور نیست.

۲. عزت نفس؛ شرم از انجام دادن اعمال ناشایست در صورتی برای انسان رخ می‌دهد که او برای خود ارزش و شخصیت قائل باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۲۹۷). به هر میزانی که این خواست فطری در انسان قوی‌تر باشد، به همان اندازه، حالت شرمساری و سرافکندگی او در هنگام رفتارهای بزهکارانه، بیشتر خواهد بود. در صورتی که شخصی، برای خود هیچ‌گونه شخصیت و جایگاهی در اجتماع قائل نباشد، چیزی برای از دست دادن ندارد و از اعمال بزهکارانه خویش، دچار شرمساری نمی‌شود. علی (ع) فرموده است: «آدم پست و فرومایه شرم نمی‌کند». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۶۰).

۳. وجود معیاری برای ارزیابی عمل؛ تحقق شرم منوط به وجود هنجارها و معیارهای در تعیین حسن و قبح رفتار است. از دیدگاه اسلام، ملاک زشتی و ناشایست بودن اعمال، شرع و آموزه‌های دینی است، نه عرف جامعه؛ چون ممکن است عملی از نظر عرف، قبیح باشد، ولی شرع آن را قبیح نداند و برعکس (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۹۵).

۴. ارزیابی و نقد رفتار بر اساس هنجارهای اخلاقی؛ شرم هنگامی به وجود می‌آید که انسان رفتار خویش را بر اساس اصول اخلاقی پذیرفته‌شده، موردسنجش و ارزیابی قرار دهد و آن را، برخلاف این اصول و ارزش‌ها، تلقی کند. در این ارزیابی و نقد، نهاد درونی خود شخص، نقش اصلی را ایفا می‌کند. خود اوست که تشخیص می‌دهد که رفتار وی بر اساس معیار و شاخص پذیرفته‌شده، صحیح است یا غلط و درواقع انسان بر خود اعتراض و خشم می‌کند که چرا من چنین کردار ناشایستی داشته‌ام و از این طریق به خصایص منفی و نامطلوب که عامل این کردار بوده است آگاه می‌شود. (غلامی، ۱۳۷۸: ۵۵ و ۵۶).

۵. احساس ناظر؛ شرم در صورتی برای انسان رخ می‌دهد که حضور ناظر آگاه و گرانمایه‌ای را اعم از درونی (وجدان) و بیرونی احساس کند که بر اعمال او نظارت می‌کند و رفتار او را بر اساس نظام اخلاقی و ارزشی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. به هر میزانی که این ناظر، در دید انسان شایسته احترام و دارای عظمت باشد، شرم ناشی از عمل مجرمانه در حضور او

شدیدتر خواهد بود. ناظر می‌تواند مردم، وجدان شخص، فرشتگان، خداوند سبحان و اولیاءالله باشد، ملموس‌ترین نظارت برای اکثر افراد، نظارت مردم است که بازدارنده و تأثیرگذار است (نیره امانی، ۱۳۹۵: ۲۰۹).

۶. ترس از بی‌اعتبار شدن؛ ممکن است همه شرایط بالا موجود باشد، ولی انسان باکمال راحتی عمل ناشایست و مجرمانه را در حضور دیگران انجام دهد. به همین دلیل، عنصر ترس و از دست دادن اعتبار اجتماعی نیز برای تحقق حالت شرم ضروری است. ترس از سرزنش در معرفی مفهوم لغوی و اصطلاحی شرم، ناظر به همین مطلب است (عباس پسندیده، ۱۳۸۶: ۳۰).

ب) انواع شرم

شرم بر اساس آموزه‌های اسلامی و نیز از دیدگاه جرم‌شناسان به انواع گوناگون تقسیم شده است. در ادامه انواع شرم از منظر آموزه‌های اسلامی و از دیدگاه جرم‌شناسان بررسی می‌شود.

۱. انواع شرم از دیدگاه آموزه‌های اسلامی

در منابع اسلامی شرم از جهات گوناگون تقسیم شده است. بعضی از این انواع به صراحت در منابع اسلامی بیان شده است و بعضی اقسام دیگر را دین پژوهان با استنباط از آیات و روایات اضافه کرده‌اند.

۱-۱. شرم مثبت و شرم منفی؛ قلمرو شرم اعمال ناشایست شرعی، عقلی و عرفی است. شرم، از غیر این اعمال یعنی از رفتارهای پسندیده و حتی از اعمال مباح، مذموم و احمقانه است (نراقی، ۱۳۷۷: ج ۳/ ۶۱) به همین دلیل در منابع دینی، شرم بر دو نوع خردمندانه و احمقانه تقسیم شده است. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «شرم بر دو گونه است، شرمی عاقلانه و شرمی احمقانه، شرم اولی، همان علم و شرم احمقانه، ناشی از جهالت است» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۲/ ۱۶۹)؛ شرم احمقانه مانند خجالت کشیدن از سؤال هنگام نادانی، شرم از گفتن حق، شرمیدن از مخالفت با آداب و رسوم زشت جامعه و هم‌رنگ شدن با جامعه، شرم از تحصیل علم، شرم از کسب درآمد حلال، شرم از خدمت به مهمان، شرم از احترام گذاشتن به دیگران، شرم از بخشش و صدقه کم و... (دیلمی، ۱۳۸۰: ۱۵۹).

۱-۲. شرم ضعف و شرم قوت؛ امام صادق (ع) فرموده است: شرم بر دو قسم است: یک نوع آن ضعف و ناتوانی و قسم دیگر آن قوت، اسلام و ایمان است. (حمیری، ۱۴۱۳: ۴۶). شرم ضعف ناشی از ناتوانی روح و کم‌رویی است که موجب ضعف اعتماد به نفس می‌شود؛ در مقابل شرم قوت حاکی از قدرت نفس در کنترل آن از ارتکاب جرایم و اعمال قبیح است که مورد تأیید دین و مقتضای ایمان است.

درواقع شرم از نظر آموزه‌های دینی یک ارزش اخلاقی به شمار می‌رود، چون ملکه خودداری از زشتی‌ها و ترک اعمال مجرمانه است و نیز شرمسار شدن بعد از ارتکاب چنین اعمالی، بی‌گمان یک ارزش و امتیاز اخلاقی به شمار می‌رود. در مواردی تبدیل به یک امر منفی می‌شود که از حالت اعتدال و قلمرو واقعی خود (اعمال ناشایست و مجرمانه) خارج شود و مسیر افراط و تفریط در پیش گرفته شود. امام حسن عسکری (ع) فرموده است: «بدان که برای شرم اندازه‌ای است اگر بیش از اندازه استفاده شود، موجب اسراف می‌شود». (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۰/۳۷۲).

۳-۱. شرم نفسانی و شرم ایمانی؛ شرم نفسانی آن است که انسان بر حسب فطرت پاک خدادادی خویش که خداوند سبحان آن را در نهاد همه انسان‌ها آفریده است، از انجام دادن اعمال ناشایست، دست‌کم در مقابل ناظر شرم می‌کند و شرم ایمانی آن است که شخص به سبب ایمان به خداوند (ج) از او شرم نماید و از ارتکاب گناهان خودداری کند (رضاپور و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۰).

۴-۱. شرم بعد از انجام عمل مجرمانه و شرم قبل ارتکاب چنین عملی؛ گاهی حالت شرم و خجالت‌زدگی بعد از ارتکاب عمل ناشایست و مجرمانه برای انسان به وجود می‌آید، مشروط بر آن که او مغایرت چنین عملی را در هنگام ارزیابی دیگران یا ارزیابی درونی خود با مجموعه ارزش‌ها و هنجارهای که به آن ایمان دارد، درک کند. این شرم موجب نکوهش، غمگینی و پشیمانی انسان می‌شود و در بیشتر موارد، زمینه توبه، اصلاح و ترمیم اعتبار صدمه‌دیده او را فراهم می‌کند.

برعکس، گاهی انسان قبل از ارتکاب جرم و اعمال قبیح شرم می‌کند. تا بزرگترین سرمایه معنوی خود را یعنی اعتبار، احترام، جایگاه معنوی، عزت و اقتدار خود را حفظ کند. این نوع شرم، بیش از نوع اول، در پیشگیری رفتارهای ناشایست و مجرمانه تأثیر دارد. مردم از شرمساری در جامعه بیشتر احساس تهدید می‌کند، تا مجازات‌های رسمی. تحقیق‌های میدانی نیز مؤید این نظریه است که شرم پیشینی بیش از شرم پسینی در پیشگیری از جرم تأثیرگذار است. از جمله در یک نظرسنجی دولتی در انگلستان از جوانان خواسته شده بود آنچه را که مهم‌ترین پی‌آمد ناگوار دستگیری می‌دانند، رتبه‌بندی کنند، ۱۰ درصد مجازات ناشی از جرم را و ۵۵ درصد قضاوت و مذمت دیگران، مخصوصاً خانواده و دوست‌دختر خود را و ۱۲ درصد تبلیغات و یا شرم از حضور در دادگاه را جدی‌ترین پی‌آمد ناگوار دستگیری به شمار آوردند. (John Braithwaite, 1989: 69)

تفاوت شرم بعد از انجام دادن اعمال ناشایست و مجرمانه و شرم قبل از آن‌ها، در این است که شرم نوع اول، امر انفعالی و زمانمند است که آثار آن به دنبال ارتکاب عمل قبیح به صورت

سرخ‌رویی در چهره شخص شرمسار پدیدار می‌شود و بعد از مدتی رفع می‌شود، از این نظر ارزشمند است که چنین انسانی قابلیت اصلاح را دارد که از اعمال مجرمانه خویش پشیمان می‌شود و زمینه توبه و اصلاح او را فراهم می‌کند. اما شرم نوع دوم از فضایل اخلاقی پایدار، منس نیکو و مورد تقدیر خردمندان است، چون موجب پرهیز از رفتارهای مجرمانه و ناهنجاری‌های اخلاقی می‌شود. امام علی (ع) درباره این نوع شرم می‌فرماید: «شرم از زیبایی‌های اخلاق انسانی است» (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ج ۱/۲۱۱).

۲. انواع شرم از دیدگاه جرم‌شناسان

جرم‌شناسان، بر اساس نظریه جان بریت ویت استرالیایی، شرم را بر دو نوع شرم بدنام‌کننده^۱ و شرم یکپارچه‌ساز^۲ تقسیم کرده‌اند:

۱-۲. **شرم بدنام‌کننده**: شرمی است که با تحمیل مجازات‌ها، مخصوصاً مجازات‌های شدید و علنی، بر مجرم، حاصل می‌آید. به جای آنکه عمل ارتكابی بزه‌کار طرد شود، خود او از طریق حبس از جامعه حذف و روابط اخلاقی و اجتماعی او با جامعه قطع و اجباراً عضو از گروه مجرمان می‌شود و در نتیجه برچسب شرور می‌خورد؛ با بدنامی و تحقیر، بزرگ‌ترین سرمایه معنوی، یعنی اعتبار اجتماعی خود را از دست می‌دهد و احتمال این که تحت تأثیر خرده‌فرهنگ کج‌رو قرارگیرد و تبدیل به مجرم خطرناک و حرفه‌ای شود، بیشتر است. حاکمیت خرده‌فرهنگ مجرمانه بر رفتار او سبب می‌شود که ضد ارزش‌ها و ناهنجاری‌های جامعه، در نظر او ارزش و امر به‌نجار تلقی شود. به همین دلیل شرم‌نده سازی بدنام‌کننده به میزان بالاتری از جرم می‌انجامد. (برنارد، و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۱۲ - ۴۱۳ و غلامی، ۱۳۸۷: ۷۱)

۲-۲. **شرم یک‌پارچه‌ساز و تلفیق‌کننده**: در این نوع شرم، مجرم از طریق عدالت ترمیمی، میانجی‌گری، نشست‌های گروهی، حلقه‌ها و محافل گروهی، هیئت‌های ترمیمی محلی، مجازات‌های بدیل حبس، آزادی مشروط، تعلیق مجازات و...، درازای کردار ناشایست شرمسار می‌گردد. رضایت بزه‌دیدگان جلب و صدمات آنان ترمیم و خسارات آن‌ها به‌صورت عادلانه و منصفانه جبران می‌شود و از همه مهم‌تر، زمینه و شرایط به‌گونه‌ای مساعد می‌گردد که بزه‌کار، بدون طرد از جامعه، به ارزیابی اعمال بزه‌کارانه خویش می‌پردازد و ضمن آگاهی از نادرستی رفتار خویش، متوجه می‌شود که چه زبانی به قربانی جرم وارد کرده است و با ابراز پشیمان و شرمساری، از قربانی جرم عذرخواهی می‌کند و متعهد می‌شود که از ارتکاب مجدد چنین رفتارهای پرهیز کند. به همین دلیل رابطه و پیوند بزه‌کار با جامعه قطع نمی‌شود و تحت تأثیر

1. Stigmatic shaming.
2. Reintegrative shaming.

خرده‌فرهنگ مجرمانه قرار نمی‌گیرد. در فرایند این نوع شرمساری به گفته جان بریت ویت، بزه‌کار تحت کنترل بیشتر و مؤثرتری قرار می‌گیرد و او وادار می‌شود که تا بار دیگر تلاش کند به‌عنوان شهروند مطیع قانون درآید. (John Braithwaite, 1989: 101- 103).

ج) تفاوت شرم در آموزه‌های اخلاقی با شرم در جرم‌شناسی

شرمی که در اخلاق و آموزه‌های اسلامی پیش‌بینی شده، با شرمی که جان بریت ویت، وارد مباحث جرم‌شناسی کرده است. تفاوت‌های اساسی دارد:

۱. **از نظر زمان شرمساری؛** هر دو نوع شرمی که در جرم‌شناسی درباره آن، نظریه‌پردازی شده است، مربوط به بعد از رفتارهای مجرمانه است. جامعه بزه‌کار را به دلیل رفتار مجرمانه او از طریق شرم بدنام کننده یا شرم بازپذیرنده، شرمسار می‌کند. درحالی که قلمرو شرمی که در اخلاق و آموزه‌های اسلامی به آن توصیه شده است، هم شامل شرم پیشینی و هم شامل شرم پسینی می‌شود. اسلام با تقویت فضیلت شرم و حیا درصدد آن است که با شرمسار کردن مجرم (شرم پسینی) او را از تکرار جرم بازدارد و هم با نهادینه کردن شرم به‌عنوان یک ارزش اخلاقی، افراد عادی جامعه را وادار کند که از ابتدای امر، شخصیت و روح بزرگوار خود را با اعمال ناشایست و مجرمانه آلوده نکنند.

۲. **از نظر انواع شرم مفید؛** بعضی جرم‌شناسان، تنها شرم یکپارچه ساز و تلفیق‌کننده، مفید و مطلوب است و اما شرم بدنام‌کننده از نظر آنان مردود است، (تامس برنارد و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۱۰، فیونا هینز، ۱۳۹۰: ۳۷۸ و غلامی، ۱۳۸۷: ۷۰-۷۲) ولی در آموزه‌های اسلامی به دلیل پیش‌بینی انواع مجازات‌های موجب شرم، افزون بر شرم تلفیق‌کننده، شرم بدنام‌کننده نیز ضروری است. نمی‌توان گفت که شرم طردکننده در کل مردود و مضر است و همه افرادی که از طریق مجازات شرمسار شده‌اند، مجدداً مرتکب جرم می‌شوند. بلکه این نوع شرم در صورتی که با قطعیت و حتمیت بر مجرمان تحمیل شود، برای پیشگیری عمومی و اختصاصی از جرم، امر ضروری است. از نظر پیشگیری عمومی، بسیاری از افراد جامعه به این دلیل از رفتارهای مجرمانه خودداری می‌کنند تا گرفتار مجازات‌های شرم طردکننده نشوند و اعتبار و جایگاه اجتماعی خویش را از دست ندهند. افزون بر این، اگر ضرر شرم بدنام‌کننده، بیش از فواید آن می‌بود، باید، حداقل بعضی از کشورهای جهان مجازات‌های موجب این نوع شرم را از قوانین جزایی خود حذف می‌کردند، درحالی که تاکنون هیچ کشوری چنین سیاست کیفری را در پیش نگرفته است.

از نظر پیشگیری خصوصی، شرم بدنام‌کننده، بسیاری از مجرمان را از ارتکاب مجدد جرم بازمی‌دارد؛ چون آنان نمی‌خواهند بار دیگر تجربه تلخ مجازات و شرمساری مجدد را تجربه کنند و افزون بر این، این نوع شرم مجرمان را به سمت اتخاذ تدابیر و فعالیت‌هایی وادار می‌کنند تا جامعه از موضع طردکنندگی خویش دست بکشد و آنان اعتبار و جایگاه اجتماعی از دست‌رفته خود

را ترمیم نمایند. البته ممکن است این نوع شرم برای برخی محکومان مضر باشد و آنان مجدداً مرتکب جرم شوند. اما در مجموع فواید شرم بدنام کننده به دلیل پیشگیری عمومی و خصوصی، به مراتب از ضررهای آن بیشتر است.

۳. از جهت مخاطب؛ مخاطب مستقیم شرم در جرم‌شناسی، تنها بزهکاران است، درحالی که مخاطب مستقیم شرم در آموزه‌های اسلامی اعم از بزه‌کاران و عموم افراد عادی جامعه است. قلمرو پیشگیری و جنبه اصلاحی شرم در اخلاق اسلامی به مراتب وسیع‌تر از شرم از نظر جرم‌شناسی است.

۴. از نظر ناظران؛ ناظران سرزنش‌کننده مرتکبان اعمال بزهکارانه، در جرم‌شناسی، تنها، افراد جامعه و وجدان اخلاقی آنان هستند، درحالی که ناظران از دیدگاه آموزه‌های اخلاقی، افزون بر مردم و وجدان اخلاقی، خداوند متعال، ملائکه و اولیاءالله نیز هستند. قدرت شرم‌منده سازی بزهکاران، از دیدگاه آموزه‌های دینی، در مقایسه با شرم در جرم‌شناسی بیشتر است و در نتیجه پیشگیری از جرم به نحو مؤثرتری انجام می‌شود.

۵. از نظر قلمرو؛ دامنه شرم از دیدگاه اخلاق اسلامی، وسیع‌تر از شرم از منظر جرم‌شناسی است. در جرم‌شناسی انسان تنها در برابر رفتارهای بزهکارانه خود شرمسار می‌شود، در حالی که از نظر اخلاق اسلامی، انسان باید از هر نوع عمل ناشایست و گناه شرم کند، حتی اگر آن رفتار در جرم‌شناسی، انحراف و بزه به شمار نیاید.

د) تبیین چگونگی تأثیرگذاری شرم در پیشگیری از جرم

بعد دیگری که در باب تمایز جرم‌شناسی و اخلاق اسلامی در حوزه شرم و پیشگیری از جرم قابل واکاوی است، تبیین چگونگی تأثیرگذاری شرم در پیشگیری از جرم و مراتب آن است؛ به بیان دیگر تبیین این امر که شرم چگونه و با چه کیفیتی باعث پیشگیری از جرم می‌شود و بهترین و نیکوترین شرم کدام است. می‌توان این امر مهم را از دو منظر دانش جرم‌شناسی و دانش اخلاق اسلامی بررسی کرد.

۱. تبیین چگونگی تأثیرگذاری شرم از منظر دانش جرم‌شناسی

نظریه‌های جرم‌شناسی، افزون بر این که درباره اصل تأثیرگذاری یک عامل در وقوع جرم، اظهار نظر می‌کند، کیفیت تأثیرگذاری آن را نیز تبیین می‌کنند. بعضی جرم‌شناسان هر شرمی را در پیشگیری از وقوع جرم مؤثر نمی‌دانند، بلکه تنها، شرم بازپذیرنده و پیوندساز با جامعه را برای پیشگیری از جرم مؤثر می‌دانند؛ شرم طردکننده را بر مبنای نظریه‌های همچون، برچسب‌زنی، خرده‌فرهنگ، جرم‌زا به شمار می‌آورند؛ افزون بر این، این نوع شرم موجب محرومیت شخص شرمسار از تأمین نیازهای اساسی خود می‌شود. حال جای این سؤال وجود دارد که شرم

بازپذیرنده چگونه و براساس چه مکانیزمی در پیشگیری از جرم مؤثر است؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان از نظریات کنترل بهره گرفت.

ترویس هیرشی معتقد است که چهار عامل پیوستگی، درگیر بودن، تعهد (پای بندی) و اعتقاد، موجب کنترل افراد از ارتکاب جرم می‌شود و مهم‌ترین آن‌ها عامل «پیوستگی» است. انواع وابستگی‌ها، پیوندهای اجتماعی و عاطفی انسان به افراد مهم و حساسیت شخص به رأی و نظر دیگران درباره او، سبب کنترل فرد از ارتکاب جرم می‌شوند؛ مانند دلبستگی و پیوند انسان به والدین، دوستان، همکاران و... و هم‌چنین پیوستگی شخص به نهادهایی چون مدرسه، دانشگاه، باشگاه و... باعث بازدارندگی از رفتارهای بزهکارانه می‌شود (ویلیامز و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۰۹). به هر میزانی که این روابط، دل‌بستگی‌ها و نظارت‌ها، قوی‌تر باشند، ارتکاب جرم کمتر و برعکس به هر اندازه‌ای که ضعیف‌تر باشند، ارتکاب جرم بیشتر خواهند بود. شرم به دلایل زیر هم مکمل کنترل از طریق وابستگی‌ها است و هم سبب می‌شود که دل‌بستگی‌ها به نحو مؤثرتر و آسان‌تری، موجب کنترل از ارتکاب جرم شود:

۱-۱. انسان درصدد است در نزد افرادی که به آن‌ها دل‌بستگی عاطفی و روابط تنگاتنگی دارد، اعتبار داشته باشد و به همین علت چنین انسانی نمی‌خواهد عمل شرم‌آوری را انجام دهد که اعتبار او را در نزد آنان خدشه‌دار کند و نکوهش آن‌ها را به دنبال داشته باشد.

۱-۲. وابستگی اجتماعی این احساس را در شخص ایجاد می‌کند که به انتظارات و خواسته‌های افرادی که به آن‌ها دلبستگی و روابط تنگاتنگی دارد پاسخ مثبت دهد و با رفتارهای ضداجتماعی خود موجب ناراحتی و شرمندگی خود و اقوام خویش نشود (غلامی، ۱۳۸۷، ۷۲). افرادی که وابستگی کمتری به هم دارند به احتمال اندکی در شرمسار کردن دیگران مشارکت می‌کنند و از نحوه واکنش دیگران نسبت به رفتار نادرست خود نگران می‌شوند (Ekaterina and other 2005: 404). به همین دلیل بعضی اشخاص در حضور افرادی که آن‌ها را نمی‌شناسند و نسبت به آنان وابستگی ندارند، کمتر از رفتار ضد ارزشی و مجرمانه خود شرم‌منده و خجالت‌زده می‌شوند و در بعضی موارد با خیال راحت در حضور جمع مرتکب جرم می‌شوند.

مقصود از تعهد آن است که انسان به حفظ سرمایه‌های اجتماعی خود مانند اعتماد، شهرت خوب، و اعتبار اجتماعی که از طریق تحصیل، تجارت، شغل، خانواده خوب و... در جامعه کسب کرده است، پایبند و متعهد باشد و با رفتارهای مجرمانه و سپس دستگیری از سوی پلیس این سرمایه اجتماعی را از دست ندهد (ویلیامز و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۱۰).

شرم این عامل کنترل را نیز به خوبی تقویت می‌کند؛ چون در بیشتر موارد شرم انسان این امر ناشی می‌شود که نمی‌خواهد با رفتارهای بزهکارانه، اعتبار اجتماعی خود را که سرمایه بزرگی برای او به شمار می‌رود، از بین ببرد.

مقصود از اعتقاد، باور به حق بودن قواعد اجتماعی و قانونی است؛ قواعدی که در نگاه افراد جامعه، بازتاب نوعی وفاق اخلاقی کلی در درون جامعه است (فیونا‌هینز، ۱۳۹۰: ۲۰۷)؛ به بیان واضح‌تر منظور از اعتقاد آن است که انسان به مشروعیت و به حق بودن قواعد قانونی به دلیل عادلانه بودن آن‌ها ایمان داشته و تعهد اخلاقی به پیروی از این قواعد داشته باشد. در اعتقاد عنصر اساسی، احترامی است که فرد برای نظام ارزشی مشترک خود قائل است. هرچه میزان اعتقاد به درست بودن رفتار بر اساس این قواعد بیشتر باشد، احتمال پای بندی به این قواعد بیشتر می‌شود. (ویلیامز و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۱۰).

شرم نیز موجب تقویت این عامل کنترلی می‌شود. هنگامی که افراد جامعه، مقررات حاکم در جامعه را مشروع، عادلانه و به حق بدانند، نقض آن‌ها را عمل ناشایست به شمار می‌آورند، از عدم رعایت این قواعد شرم می‌کنند و در صورت نقض این مقررات، خود را در برابر وجدان و دیگران شرمسار و خجالت‌زده احساس می‌نمایند.

می‌توان در تبیین بازدارندگی و پیشگیری شرم، از نظریه خودکنترلی نیز بهره‌بر برد. در آغاز سال‌های ۱۹۹۰ هیرشی و گات فردسون نظریه دیگری را به‌عنوان نظریه عمومی جرم، مطرح کردند که به‌موجب آن، شیوع جرایم در جامعه، ریشه در پایین بودن درجه خودکنترلی افراد دارد. در چنین افرادی پلیس باطن یعنی وجدان در فرایند تربیت و آموزش و پرورش جامعه، خوب نهادینه نشده است. این نظریه به خودکنترلی - خود انتظامی - پایین فرد مجرم مشهور است. آن‌ها معتقد بودند که آموزش برای تقویت وجدان فرد، محدود کردن منافع شخصی و جامعه‌پذیری از طریق خودکنترلی ضروری است. اگر تربیت و جامعه‌پذیری در دوران کودکی ناکافی باشد، سطح خودکنترلی ضعیف و موجب بروز رفتارهای بزهکارانه می‌شود. (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۱: ۱۲۹۴ و ویلیامز و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۱۱-۲۱۴)

۲. تبیین کیفیت تأثیرگذاری شرم بر پیشگیری از جرم از منظر اخلاق اسلامی

از مجموع روایت‌های، مربوط به شرم استنباط می‌شود که شرم از این نظر موجب پیشگیری از رفتارهای بزهکارانه می‌شود که این گونه اعمال، بزرگترین و ارزشمندترین سرمایه معنوی انسان را در دید ناظران از بین می‌برد؛ انسان نمی‌خواهد با رفتارهای ناشایست و مجرمانه، جایگاه معنوی، اعتبار، احترام و شخصیت خود را از دست دهد. مهم‌ترین سرمایه معنوی، هر انسانی، شخصیت، جایگاه اجتماعی و معنوی اوست. هر انسان عادی در طول حیات اولاً درصدد کسب این سرمایه معنوی است و ثانیاً با تمام وجود کوشش می‌کند که آن را حفظ کند، تا در نزد ناظران یعنی خداوند، وجدان، اولیاءالله، مخصوصاً مردم که محسوس‌ترین ناظران ذره‌بین رفتارهای او در طول حیات هستند، احترام و اعتبار داشته باشد. روابط و تعامل او با آنان دچار اختلال نشود. انسان از طریق این سرمایه معنوی و تعامل در نزد دیگران جذاب و محبوب

می‌شود. منافع و مزایای اجتماعی و معنوی بسیاری از طریق آن کسب می‌کند. افزون بر این براساس روایات شرم یکی از مهم‌ترین فضایل اخلاقی است. کسی که آراسته به این فضیلت باشد، واجد بسیاری از فضایل اخلاقی دیگر خواهد شد و در نتیجه رفتارهای بزه‌کارانه و اعمال ناشایست خودداری خواهد کرد. از باب نمونه در سخنان پیشوایان دینی از شرم به‌عنوان رأس مکارم اخلاقی (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۱ / ۴۳۴)، وسیله رسیدن به هر زیبایی و نیکی (محدث نوری، ۱۴۰۸: ج ۸ / ۴۶۶) و کلید همه خوبی‌ها یاد شده است (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ج ۱ / ۹۳) دلیل ارتباط شرم با فضایل اخلاقی آن است که ماهیت شرم، بازدارندگی از رفتارهای ناشایست است و قهراً این بازدارندگی از اعمال ناشایست، انجام اعمال نیک و فضیلت‌ها را در پی خواهد داشت. (دیلمی، ۱۳۸۰: ۱۵۵). در سخنان پیشوایان دینی بر این جنبه بازدارندگی شرم تأکید فراوانی شده است. امام علی (ع) فرموده است: شرم مانع زشت‌کاری می‌شود. (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۲۸) و برعکس در سخنان پیشوایان دینی بی‌شرمی منشأ و عامل همه انحرافات و شرور معرفی شده است. پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «آن‌که از (نعمت) شرم محروم شد، تمام وجود او شر و بدی است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۸ / ۳۳۶). علی (ع) می‌فرماید: شرورترین مردم کسی است که از دیگران شرم نکنند و از خداوند سبحان نترسند (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ج ۷ / ۸۷). پیامبر اکرم (ص) نیز فرموده است: «از مثل‌های پیامبران علیهم‌السلام، جز این سخن مردم بر جای نمانده است: وقتی شرم نداشتی هر کاری می‌خواهی بکن» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲ / ۵۶).

از سوی دیگر کسی که از اعمال ناشایست شرم می‌کند، نشانه کرامت نفس اوست. فضایل اخلاقی به‌گونه‌ای است که تأثیر متقابل در تقویت همدیگر دارد. از یکسو کرامت نفس یکی از منشأهای شرم است و از سوی دیگر شرم مکرر به نوبه‌ای خود موجب تقویت کرامت نفس و جوانمردی می‌شود. امام علی (ع) می‌فرماید: «از کمالات جوانمردی، این است که از خودت شرم کنی» (لیثی واسطی ۱۳۷۶: ۴۷۲). افزون بر این، هنگامی که انسان خود را شرمسار «یا دیگران را شرم‌منده می‌کند یا کسی را شرمسار می‌بیند، از چیزهای که به‌صورت عادی غیرقابل قبول هستند، آگاهی بیشتری می‌یابد وجدان آن‌ها تقویت می‌شود و از اینکه از سوی دیگران شرم‌منده شود، بیشتر می‌ترسند» (Botchkovar and other 2005: 403).

هـ) مراتب شرم از نظر اخلاق اسلامی

شرم از دیدگاه اخلاق اسلامی دارای مراتب و درجاتی است که وجه تمایز دیگری میان شرم در اخلاق اسلامی و جرم‌شناسی به‌شمار می‌رود؛ به‌موجب آموزه‌های دینی، شرم از خداوند سبحان، در مقایسه با شرم از مردم، شرم از وجدان و هر نوع شرم دیگر، بهترین نوع شرم، معرفی شده است. امام علی (ع) شرم از خداوند متعال را بهترین شرم معرفی کرده است: «بهترین نوع

شرم آن است که انسان از خدای خویش بشرمد». (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ج ۷/ ۸۷)؛ چون از دیدگاه اسلام، خداوند متعال موجود با عظمتی است که هیچ موجود دیگری به بزرگی او نمی‌رسد. امیرالمؤمنین علی (ع): فرموده است: «آفریننده جهان در نظر مؤمنان بسیار با عظمت و موجودات دیگر از دید آنان کوچک هستند». (سید رضی، ۱۴۱۴: ۳۰۳). به هر میزانی که احترام، عظمت و اهمیت ناظر و بخشش‌های او برای انسان، بیشتر باشد، شرم ناشی از اعمال انحرافی در محضر او شدیدتر و تأثیر شرم در پیشگیری از رفتارهای ناشایست بیشتر خواهد بود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۳۰۰). افزون بر این، انسان معتقد به خدا (ج) خود و تمام عالم را در محضر خدای متعال می‌داند. «آیا انسان نمی‌داند که خدای متعال همه چیز را می‌بیند» (علق، ۱۴). با این اعتقاد فرد نمی‌تواند در تمام نقاط عالم هستی، مکان خلوتی را بیابد که با خیال راحت و بدون نظارت همیشگی خداوند (ج)، عمل ناشایستی را انجام دهد. خدای سبحان، حتی، از نیات، و مقاصد قلبی انسان آگاه است. «آیا این‌ها نمی‌دانند خداوند متعال از اسرار درون و برون آنان آگاه است؟!» (بقره، ۷۷) از سوی دیگر، شرم انسان از خدای سبحان در خلوت و جلوت، محصول چنین نظارت همه‌جانبه است (انصاریان، ۱۳۸۶: ۱۲۰) هم‌چنین نهایت کوشش انسان دین‌مدار آن است که حق بندگی و اطاعت از خداوند متعال را ادا نماید. از انجام دادن اعمالی که موجب خشم و غضب الهی و دوری از مقام ربوبیت الهی می‌شود، شرم می‌کند. علاوه بر این، شرم از خداوند متعال، نشانه ایمان و دین‌داری شخص است که همه فضایل و ترک همه اعمال ناشایست را به دنبال دارد. در روایات فراوانی از پیشوایان دینی درباره تأثیر ایمان و دین‌داری در آراسته شدن انسان به زیور شرم وارد شده است. از باب نمونه امام علی (ع) در این باره فرموده است: «بیشتر بودن شرم شخص به دلیل ایمان اوست». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۵۷). شرم از خداوند متعال که نیکوترین شرم به شمار می‌رود در جرم‌شناسی غیردینی وجود ندارد.

بعد از شرم از خداوند، بهترین شرم در مقایسه با شرم از مردم، شرم از وجدان است که در قرآن کریم از وجدان به عنوان «نفس لوّامه» یاد شده است (قیامت، ۲)، وجدان در هنگام ارتکاب رفتار بزهکارانه و ناشایست به نقد رفتار انسان می‌پردازد و او را سرزنش، محاکمه و شرم‌منده می‌کند. هر انسانی شرم از خویشتن را در این گونه موارد بارها تجربه کرده است. اگر زشتی رفتار بزهکارانه شدید باشد، این سرزنش و شرمساری به میزانی تشدید می‌یابد که انسان از تمام وجود خود متنفر می‌شود و ممکن است بر اثر فشار شدید وجدان، خودکشی یا خود را تسلیم دادگاه کند. علی (ع) فرموده است: «بهترین شرم، شرم از خویشتن است» (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ج ۲/ ۴۲۲). هم‌چنین علی (ع)، فرموده است: اوج شرم، این است که آدمی از خودش شرم کند. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۳۶)؛ چون شرم از خویشتن در هر دو حالت خلوت و جلوت موجب پیشگیری از جرم و عمل ناشایست می‌شود، درحالی‌که شرم از دیگران تنها در وضعیتی که

انسان، دیگران را ناظر اعمال خود ببیند، او را از عمل بزهکارانه بازمی‌دارد. افزون بر این، هنگامی که انسان از خود شرم کند، به‌طریق اولی از دیگران شرم خواهد کرد. (شرباصی، ۱۴۰۷: ج ۱/ ۹۲). از سوی دیگر شخصی که از روی اراده، به‌حکم وجدان، نه ترس از مذمت دیگران، از رفتارهای بزهکارانه خود، شرم و خودداری می‌کند، نشانه روح بزرگوار و آراسته بودن او به زیور فضایل اخلاقی است. با این خودکنترلی ثابت می‌کند که ارزش‌های اخلاقی، از طریق تعلیم و تربیت صحیح، در او نهادینه شده است. به دلایل فوق شرم از خود به فرموده امام علی (ع)، حاکی از جوانمردی، (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۷۲) خردمندی، پیروی از عقل (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ج ۲۰/ ۳۳۸)، نهایت ادب انسان است (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ج ۲۰/ ۲۶۵).

پایین‌ترین مرحله شرم از دیدگاه اسلام، شرم از مردم است که محسوس‌ترین ناظران برای اعمال انسان است و برای بسیار از افراد، بازدارنده از رفتارهای بزهکارانه و سازنده از نظر اخلاقی است.

تبیین بیشتر چگونگی تأثیرگذاری شرم بر پیشگیری از جرم نیازمند تبیین و تحلیل دقیق، مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر بر کارکرد شرم است که در ادامه بررسی می‌شود.

و) عوامل مؤثر بر کارکرد پیشگیرانه شرم

شرم به‌عنوان یک امر فطری انسانی (شرباصی، ۱۴۰۷: ج ۱/ ۹۱)، نقش مهمی در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه دارد؛ با این‌وجود عوامل بیرونی و درونی دیگری می‌تواند اثربخشی آن را تشدید یا تضعیف کند. در واقع وجوه دیگری تمایز دینی و غیردینی شرم نیز در همین عوامل است. در این میان عوامل و مؤلفه‌های از جمله دین‌داری، نوع فرهنگ حاکم بر جامعه، نوع جرم، عزت‌نفس در تقویت و کارکرد مؤثر پیشگیرانه شرم فطری، تأثیر بسیاری دارد. در صورت تحقق این عوامل، کارکرد پیشگیرانه شرم مضاعف می‌شود به نحو مؤثرتری در مقایسه با شرم فطری، از رفتارهای بزهکارانه پیشگیری می‌کند. به همین دلیل شناخت این عوامل برای تأثیر کارکرد پیشگیرانه شرم، ضروری است.

۱. دین‌داری و خداباوری

دین‌داری افراد جامعه به‌عنوان عامل قوی، تأثیر مهمی، در کارکرد پیشگیرانه شرم از رفتارهای انحرافی دارد. بر اساس آیات قرآن و روایات، انسان دین‌دار، علاوه بر شرم از افراد جامعه و وجدان، از خداوند متعال، ملائکه و اولیاءالله نیز می‌شرمد و اعتقاد به نظارت آنان موجب شرم از ارتکاب اعمال ناشایست و مجرمانه می‌شود.

بر اساس آموزه‌های اسلامی، انسان دین‌دار، افزون بر شرم از خداوند متعال، اعتقاد دارد که دو فرشته همواره ناظر اعمال او هستند و در خلوت و جلوت به ثبت اعمال نیک و زشت انسان مشغول‌اند. شرم از آنان نیز مانع ارتکاب جرم می‌شود. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«آیا گمان کرده‌اند ما اسرار دل و سخنان درگوشی آنان را نمی‌شنویم؟ بلی می‌شنویم و فرشتگان ما نزد آنان حاضرند و می‌نویسند» (زخرف، ۸۰). پیامبر اکرم فرموده است: «هریک از شما باید از دو فرشته‌ای که همیشه با او هستند، شرم کند، همچنان که از دو همسایه خوب خود که شب و روز در کنارش هستند شرم می‌کند» (پاینده، ۱۳۸۲: ۶۵۶).

بر اساس آیات و روایات افزون بر خداوند متعال و فرشتگان، اولیای الله نیز در دنیا از تمام اعمال خوب و بد ما آگاه می‌شود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «بگو اعمال و وظائف خود را انجام دهید، و بدانید هم‌خدای سبحان و هم‌رسول او و هم مؤمنان اعمال شما را خواهند دید» (توبه، ۱۰۵). امام صادق (ع) فرموده است: «آن‌گاه که فرشتگان بخواهند عملی را به‌سوی خداوند (ج) بالا ببرند، نخست بر امام زمان (ع) عرضه می‌کنند و سپس بر تک‌تک آن‌ها (پیشوایان معصوم) تا این‌که بر رسول خدا (ص) عرضه می‌شود و پس از آن بر خداوند سبحان عرضه می‌شود» (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۸۷).

شرم بر اساس دیدگاه مذهبی موجب پیشگیری از ارتکاب هر دو نوع جرم قراردادی و طبیعی می‌شود؛ چون معیار قبح و ناشایست بودن عمل، دین و مذهب است؛ از دیدگاه دینی هر دو نوع عمل مجرمانه که از سوی حکومت جرم‌انگاری شود، گناه به‌شمار می‌رود. با ارتکاب هر نوع گناه، انسان خود را در برابر خداوند متعال و ملائکه و اولیاء الهی شرم‌منده و خجالت‌زده احساس می‌کند.

۲. بهره‌مندی از عزت‌نفس بالا

برخورداری افراد از عزت‌نفس بیشتر، در کارکرد پیشگیرانه شرم تأثیر مهمی دارد؛ چون، انسان دارای فضیلت شرم، برای خود ارزش و احترام بیشتری قائل است، این گوهر گران‌بها را با رفتارهای انحرافی نابود نمی‌کند و خود را در میان مردم رسوا و شرمسار نخواهد کرد. علی (ع) در این باره فرموده است: «هر کس نفسش نزد او گرامی باشد، آن را با گناه خوار نمی‌کند» (محدث نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۱ / ۳۳۹). برعکس کسی که برای خود ارزش و اعتباری قائل نیست، احتمال هر نوع جرم و رفتار ناشایست از او بعید نیست؛ علی (ع) فرموده است: «کسی که نفسش در نزد او حقیر باشد، از شر او در امان نخواهی بود» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۴۸۳). کرامت ذاتی به دنبال خود شرم را در انسان به وجود می‌آورد. شرم علاوه بر این که موجب پیشگیری از اعمال ناشایست می‌شود، کرامت اکتسابی را نیز به دنبال می‌آورد و موجب تقویت آن می‌شود. علی (ع) در این باره فرموده است: «شرم پیشه کن؛ زیرا شرم نشانه نجابت و بزرگواری است». (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۳۳۵). چون شرم ناشی از روح کریم و متعالی است از طریق آن، همه مکارم اخلاقی و بزرگواری‌های روحی و منش‌های انسانی تأمین می‌شود. علی (ع) در این باره می‌فرماید:

«شرم همه بزرگواری‌ها و نیکوترین خصلت‌هاست» (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ج ۷/ ۸۶).

۳. قبح عرفی عمل مجرمانه

شرم از ارتکاب جرم در صورتی برای انسان رخ می‌دهد که رفتار مجرمانه در نظر مردم، ناشایست و قبیح و مجازات ناشی از آن رسواکننده و تحقیرآمیز باشد. به هر میزانی که قبح عمل مجرمانه بیشتر باشد، به همان اندازه، شرم ناشی از آن شدید خواهد بود. بنابراین، یکی از مؤلفه‌های مؤثر در کارکرد پیشگیرانه شرم، شدید و ضعیف بودن شرم ناشی از جرم، میزان قبح جرم در انظار عمومی است.

جرایم بر دو دسته قراردادی و طبیعی تقسیم می‌شوند؛ جرایم نوع اول، بار ارزشی ندارند و صرفاً برای برقراری نظم در جامعه پیش‌بینی می‌شوند مانند جرایم راهنمایی و رانندگی، اداری، مالیاتی، فرار از پرداخت عوارض گمرکی و... (قیاسی و دیگران، ۱۳۸۰: ج ۱/ ۱۰). شرم بر اساس دیدگاه غیرمذهبی، برخلاف دیدگاه مذهبی، در پیشگیری این نوع جرایم تأثیر ندارد. ولی دسته دوم از جرایم از نوع اعمال ناشایست به شمار می‌رود. رسوایی، شرمندگی ناشی از ارتکاب برخی این جرایم، به قدری شدید است که انسان دوست دارد زمین شکافته شود و داخل آن سقوط کند، تا شاهد رسوایی و خجالت ناشی از رفتار مجرمانه خود در انظار عموم نباشد. لذا ترس از گرفتار شدن در چنین شرمساری و بدنامی و از دست دادن اعتبار اجتماعی، موجب پیشگیری از این جرایم می‌شود.

شرم مخصوصاً در پیش‌گیری جرایمی نقش مؤثری دارد که بر اساس فرهنگ، دین و اعتقادات مذهبی در نزد مردم، از زشت‌ترین اعمال به شمار می‌رود. مانند جرایم جنسی در میان مسلمانان، قتل، سرقت که در عرف مردم از ناشایست‌ترین اعمال به شمار می‌رود.

۴. نهادینه شدن فرهنگ شرم در جامعه

برای کارکرد پیشگیرانه مؤثر عمومی شرم در پیشگیری از رفتارهای بزهکارانه، حاکمیت فرهنگ شرم و نهادینه شدن آن در جامعه، امر ضروری است. اگر بتوان گونه‌های خاص از هنجارها و فرهنگ را در درون جامعه ایجاد کرد، آنگاه افراد در برخی از فعالیت‌های درگیر نخواهد شد و موجب احساس شرمساری از رفتارهای نادرست می‌شود. (فیونا هینز، ۱۳۹۰: ۳۷۹) بیشتر مردم در صورتی از اعمال انحرافی خودداری می‌کنند که این اعمال را بر اساس نظام اخلاقی و ارزشی موردقبول خود، رفتار قبیح بدانند. به هر میزان که زشتی و ناشایستی جرایم در فرهنگ عمومی مردم بیشتر شود، به همان اندازه شرم ناشی از آن افزایش می‌یابد. به همین دلیل برای پیش‌گیری از جرایم، علاوه بر جرم‌انگاری رفتارها، قبح‌انگاری جرایم در فرهنگ عمومی، در پیش‌گرفتن تدابیری به‌منظور جلوگیری از تضعیف قبح‌انگاری آن‌ها، امر ضروری است. برای قبح‌انگاری جرایم و جلوگیری از تضعیف آن‌ها در پیش‌گرفتن تدابیر زیر ضروری

است:

۴-۱. فرهنگ‌سازی و آموزش جامعه از طریق بیان مبانی جرم‌انگاری؛ یکی از راه‌های مؤثر برای حفظ قبح جرایم، توضیح مبانی جرم‌انگاری از طریق رسانه‌های جمعی، فیلم، مقالات، کتاب و سخنرانی به صورت منطقی و مستدل است. تا مردم قانع شوند که واقعاً همه جرایم، اعمال قبیح و ناشایست است و در نتیجه از ارتکاب آن‌ها شرم کنند.

۴-۲. پیشگیری از تضعیف قبح‌انگاری اعمال مجرمانه؛ قبح رفتارهای مجرمانه، سد بزرگی برای خودداری عموم افراد جامعه از ارتکاب آن‌هاست. چون تنها، در این صورت است که آنان، ارتکاب جرایم را مایه شرم و رسوایی خود تلقی می‌کنند. عوامل زیر موجب پیشگیری از تضعیف قبح‌انگاری جرایم می‌شود:

۴-۲-۱. پیشگیری از شیوع و توجیه ارتکاب جرایم؛ در کل ارتکاب جرایم و اعمال ناشایست، موجب تضعیف شرم می‌شود و به تدریج آن را از انسان سلب و به فرهنگ‌سازی شرم و قبح‌انگاری جرایم، در جامعه، آسیب جدی وارد می‌کند؛ شیوع جرایم، همراه با توجیه‌گری سبب می‌شود، که جرایم به تدریج در انظار عموم، عمل عادی جلوه کنند و سرانجام کار به جای می‌رسد که به فرموده قرآن کریم، این رفتارها در نظر مردم زیبا و نیکو جلوه کند. (فاطر، ۸) و این امر، تغییر تدریجی فرهنگ و ارزش‌های جامعه را به دنبال دارد. به همین دلیل در جامعه اسلامی تظاهر به منکرات و تجاهر به فسق حرام است. (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۱۵: ۲۴۴) «افزایش شیوع ارزش‌های انحرافی در یک جمعیت احتمالاً باعث اختلال در توانایی جمع برای شرمسار کردن افراد به دلیل رفتارهای انحرافی می‌شود». (Lonnie m.Schaible and Lorine A, number 52: 111)

۴-۲-۲. حتمیت و قطعیت مجازات؛ مرتکبان جرایم که با رفتار خود، از آن‌ها به تدریج، قبح زدایی می‌کنند، باید در اسرع وقت بر اساس قانون و از سوی محکمه باصلاحیت محکوم و مجازات شوند و گرنه دیگران نیز تشویق به ارتکاب جرم خواهند شد.

۴-۲-۳. تقبیح رفتارهای مجرمانه؛ ارتکاب جرم از سوی رسانه‌های عمومی و همه کاربران فضای مجازی و اجتماعی به صورت وسیع محکوم و تقبیح شود و افکار عمومی، علیه جرم ارتكابی تحریک تا در راستای قبح‌انگاری جرایم، فرهنگ‌سازی شود.

نتیجه گیری

هرچند وجود نهاد رسمی کیفر در جوامع امروزی امر اجتناب‌ناپذیر است، ولی صرف اتکا به آن، بدون احترام به ارزش‌های اخلاقی چون شرم، نمی‌توان از ارتکاب جرایم پیشگیری کرد. شرم از نظر آموزه‌های دینی و جرم‌شناسی نقش مهمی در پیشگیری از جرایم دارد. شرم در آموزه‌های دینی در مقایسه با شرم از دیدگاه جرم‌شناسی دارای انواع بیشتری است و اقسام مذموم و ممدوح آن به‌خوبی با معیار دقیق مشخص شده است. شرم در آموزه‌های دینی در مقایسه با شرم از منظر جرم‌شناسی، به‌گونه مؤثرتر از رفتارهای مجرمانه، پیشگیری می‌کند. چون اولاً: قلمرو انواع شرم از دیدگاه جرم‌شناسی محدود بر شرمساری پسینی (شرم بعد از ارتکاب عمل مجرمانه) است و شامل شرم پیشینی و غیرمجرمان نمی‌شود درحالی‌که شرم براساس آموزه‌های دینی، عمومیت دارد؛ شامل هر دو نوع شرم پیشینی و پسینی می‌شود. ثانیاً: در آموزه‌های دینی، مؤلفه‌ها و عواملی چون دین‌داری، کرامت عزت‌نفس و ناشایست بودن جرایم قراردادی وجود دارد که کارکرد پیشگیرانه شرم را مضاعف می‌کند. درحالی‌که در جرم‌شناسی غیردینی، این عوامل و مؤلفه‌ها موجود نیست.

فهرست منابع

* قرآن کریم

الف) کتابها

۱. آذرنوش، آذرتاش، (۱۳۸۹)، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران، نشر نی، چاپ دوازدهم.
۲. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسن، (۱۳۶۶)، شرح غررالحکم و درر الکلم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ج ۷.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، (۱۳۷۸)، شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، قم، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، الطبعة الاولى، ج ۲۰.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸)، عیون اخبار الرضا (ع)، تهران، نشر جهان، ج ۲.
۵. ابن حمید، صالح بن عبدالله و ابن ملوح، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۲۶ هـ. ق)، موسوعة نضرة النعیم فی مکارم أخلاق الرسول الکریم (ص)، جده - عربستان، دار الوسيلة، ۵، ج .
۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۶۳)، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۷. احمد بن فارس، (۵۱۰۴ هـ. ق)، معجم مقائیس اللغة، محقق / مصحح: عبدالسلام محمد هارون، قم - ایران: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۸. انصاریان، حسین، (۱۳۸۶)، فرهنگ مهرورزی، محقق: آرش مردانی پور و محمدجواد صابریان، قم - ایران، ناشر دارالعرفان.
۹. برنارد، تامس، اسنیپس، جفری، و جرولد، الکساندر، (۱۳۹۴)، جرم شناسی نظری ولد، ترجمه علی شجاعی، تهران، انتشارات دادگستر، چاپ دوم.
۱۰. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲)، نهج الفصاحة، (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، تهران، ناشر، دنیای دانش.
۱۱. پسندیده، عباس، (۱۳۸۶)، پژوهشی در فرهنگ حیا، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، چاپ ششم.
۱۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، تصنیف غررالحکم و درر الکلم - ایران - قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ هـ ق)، وسائل الشیعة، ایران - قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول، ج ۱۲.
۱۴. حمیری، عبدالله بن جعفر، (۱۴۱۳ هـ ق)، قرب الإسناد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، چاپ اول.

۱۵. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۸۵)، لغت‌نامه فرهنگ متوسط دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول، ج ۲.
۱۶. دیلمی، احمد، آذربایجانی، مسعود، (۱۳۸۰)، اخلاق اسلامی، قم - ایران، ناشر، دفتر نشر معارف اسلامی، چاپ دوم.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ هـ ق)، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دمشق - بیروت، دارالعلم دارالشمیة، چاپ اول.
۱۸. سبزواری، عبدالاعلی، (۱۴۱۳ هـ ق)، مهذب الأحكام، مؤسسه المنار، ایران، چاپ چهارم، ج ۱۵.
۱۹. سید رضی، محمد، (۱۴۱۴ هـ ق)، نهج البلاغة، صبحی صالح، قم - ایران، اول، انتشارات هجرت.
۲۰. شرباصی، احمد، (۱۴۰۷ هـ ق)، موسوعة أخلاق القرآن، بیروت - لبنان، ناشر، دار الرائد العربي، ج ۱.
۲۱. طوسی، محمد ابن الحسن، (۱۴۱۱ هـ ق)، کتاب الغیبة للحجة، ایران - قم، دار المعارف الاسلامیة، چاپ اول.
۲۲. العسکری، حسن ابن عبدالله، (۱۴۱۲ هـ ق)، معجم الفروق اللغویة، قم، الناشر مؤسسة النشر الإسلامی التابعه لجماعة المدرسین، الطبعة الأولى.
۲۳. فیوناہینز، راب وایت، (۱۳۹۰)، جرم و جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه چاپ چهارم.
۲۴. قیاسی، جلال‌الدین، دهقان، حمید و خسروشاهی، قدرت‌الله، (۱۳۸۰)، مطالعه تطبیقی حقوق جزا عمومی (اسلام و حقوق موضوعه)، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ج ۱.
۲۵. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ هـ ق)، الکافی، تهران دار الکتب الإسلامیة، - ایران، چاپ چهارم، ج ۲.
۲۶. لیشی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، عیون الحکم و المواعظ، - قم، ناشر دارالحدیث چاپ اول.
۲۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ هـ ق)، بحار الانوار، بیروت، چاپ دوم، ج ۶۸ و ۹۰.
۲۸. محدث نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸ هـ ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل، لبنان - بیروت، مؤسسه آل البیت، چاپ اول، ج ۸ و ۱۱.
۲۹. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۷)، پنجاهی امام صادق به ره جویان صادق، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول.
۳۰. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، ناشر، بنگاه ترجمه و

نشر کتاب.

۳۱. معین، محمد، (۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ج ۱.
۳۲. نجفی ابرندآبادی، (۱۳۹۱)، علی حسین، مباحثی در علوم جنایی، بی‌جا، ویراست هفتم.
۳۳. نراقی، محمد، مهدی، (۱۳۷۳)، علم اخلاق اسلامی، ترجمه جامع السعادات، ترجمه جلال‌الدین مجتبیوی، تهران، انتشارات حکمت، چاپ چهارم، ج ۳.
۳۴. ویلیامز، فرانک پی، مک شین، ماری لین دی، (۱۳۸۳)، نظریه‌های جرم‌شناسی، ملک محمدی، تهران، نشر میزان، چاپ اول.

ب) مقالات

۳۵. امانی، نیره، ۱۳۹۵، «راهکارهای احیای حیا در اجتماع»، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، ش 16، ۲۰۹، تهران، دانشگاه تهران.
۳۶. رضاپور زینب و گلی‌زاده، پروین، ۱۳۹۶، «بررسی و تحلیل مفهوم حیا در متون عرفانی با تأکید بر مشرب عرفانی بغداد و خراسان»، مجله علمی- پژوهشی مطالعات عرفانی ش 25، ۴۰، کاشان، دانشگاه کاشان.
۳۷. سمیعیان، محمدرضا، بهیان، شاپور، کیانپور، مسعود، ۱۳۹۶، «بررسی تأثیر دین‌داری بر تجربه احساس شرم و حیای شهروندان»، فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ش ۱۱، ۷۶، دانشگاه بوعلی سینا.
۳۷. غلامی، حسین، ۱۳۸۷، «شرم و پیشگیری از تکرار جرم»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از تکرار جرم، سال چهارم، ش ۱۰، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۶۱، ۷۱، ۷۱، نشریه پلیس پیشگیری نیروی انتظامی.

ج) لاتین

38. A S Hornby, (2009), *Oxford Advanced Learner's Dictionary*, 7th edition, Oxforduniversity pres.
39. John Braithwaite, (1989) *Crime, shame and reintegration*, New York, Cambridge university press.
40. Ekaterina v. Botchkovar and Chales R (2005), *Throretical Criminology*, SAGE publications London, thousand Oaks and New Delhi.
41. Lonnie m.Schaible and Lorine A.2011, *Hughes, Crime, shame, reintegration, and cross-national homicide: a partial test of reintegration shaming theory*, *The Sociological Quarterly*, 52(1):104-31

